



روزنامه  
بیست و سومین جشنواره  
بین المللی تئاتر فجر

جمعه ۹ بهمن ۱۳۸۳

روزنهم

شب کوتاه و قلندران بیدار

تئاترهای شهرستان در راه فستیوالهای خارجی

مدیر تالار هنر:

## گروههای شهرستانی خوب عمل کردند



«تالار هنر» امسال تنها میزبان نمایش‌های شهرستانی بود.

پریسا مقتدی، مدیر این تالار با اشاره به حضور این گروه‌ها در جشنواره بیست و سوم تئاتر فجر، می‌گوید: «به روال گذشته، کارها هر روز اجرا می‌شد و برخی از آنها نیز نمایش‌های قابل تأمیل بودند، هر چند که از طرف دوستان و علاقه‌مندان تئاتری گاهی مورد بی مهری قرار می‌گرفند.»

مقتدی در این باره، اضافه می‌کند: «وقتی تماشاگران تئاتری در ایام جشنواره دست به برنامه‌ریزی می‌زنند، قبل از هر اجرایی به نمایش‌های بخش بین‌الملل توجه می‌کنند و به دنبال آن هم کارهای گروه‌های تهران را می‌بینند در این میان کمتر مخاطبی توجه خاصی به گروه‌های شهرستانی می‌کند، در حالی که به اعتقاد من برخی از این گروه‌ها واقعاً موفق عمل کردند و سطح نمایش‌هایشان خیلی بهتر از خیلی از نمایش‌های تهرانی بود.»

این مدیر تئاتر همچنین درباره استقبال کمی از نمایش‌های اجرا شده در این سالن می‌گوید: «فکر می‌کنم به نسبت کل سالنهای تئاتری شرکت کننده در جشنواره امسال، وضعیت بدی نداشته‌ایم، البته بعضی از اجرای‌هایمان شلوغ‌تر و برخی هم خلوت هستند.» مقتدى در پایان، تصريح می‌کند: «خوشبختانه همه امور از طرف تالار هنر فراهم بود و حتی ما پیش از این هم می‌توانستیم سرویس دهی داشته باشیم.»

## با پایان جشنواره بیست و سوم تئاتر فجر؛

### «این غرفه از بهشت» به اجرای خود ادامه می‌دهد

«این غرفه از بهشت» نوشته و کار داود فتحعلی بیگی بعد از اجرا در بیست و سومین جشنواره تئاتر فجر، به اجرای خود در سالن اصلی تئاتر شهر ادامه می‌دهد.

این نمایش که در آخرین روز جشنواره در تالار اصلی اجرا می‌شود، از روز یکشنبه باز هم به کار خود در این تالار ادامه می‌دهد. «این غرفه از بهشت» داستان زندگی مرشد حسین است که هر سال در ایام محرم به حسینیه محل محل می‌رود و پرده و قایع عاشورا را نقاشی می‌کند.

## هنرمندان در جایگاه تماشاگران

حدود ۴۰ نفر از هنرمندان تئاتر با استفاده از کارتهای ویژه از نمایش‌های جشنواره دیدن کردند.

در این میان می‌توان به هنرمندانی چون عزالت‌الله انتظامی، ایرج راد، رضا کیانیان، بهرام بیضایی، مژده شمسایی، پرویز پور حسینی، داریوش ارجمند، هدیه تهرانی، ترانه علیدوستی، مانی حقیقی، اصغر فرهادی و حبیب‌رضایی اشاره کرد.

## گزارشی از جلسه مطبوعاتی گروه هلند

### محصور در دنیای تکنیک

جلسه مطبوعاتی نمایش «آرنولت» به کارگردانی اریک واردگیر لینگر با حضور کارگردان و دیگر اعضای این گروه برگزار شد.

کارگردان این نمایش در باره نحوه پرداختن به شخصیت «آرنولت» گفت: «آرنولت یکی از همکاران برشت است که همراه با او تئاتری را راه اندازی کرده است و تئاترها براساس زندگی او، ساخته شده‌است.»  
وی افزود: شخصیت «آرنولت» در هلند هم خیلی معروف نیست اما فردی است که راه‌های گوناگونی را در زندگیش طی کرده و به همین دلیل ما به او پرداخته‌ایم.»

به گفته او، آرنولت محصور در جهانی است پر از ابزار تکنیکی، جهانی که او را می‌بلعد و او می‌کوشد انسان باشد.

سپس نیو، مسؤول ارتباطی این گروه با کشورهای آسیایی و آفریقایی در باره بلندگوهای موجود در این نمایش گفت: این بلندگوها هریک سمبول سیستمی هستند. یکی نشانگر سیستم آنارشیستی است و دیگری فاشیستی که از نظر ما هر دو سیستم به یک شکل عمل می‌کنند.»

او اضافه کرد: «آرنولت یک آدم فرعی است که در مقابل با این سیستم‌ها می‌ایستد. او نماینده سیستم نیست بلکه انسانی است که دچار تناقضاتی شده است.»



# هنرمندان؛ کار را دیده‌اند؟

یعنی از لحاظ اجراء موسیقی،  
دکور و همه چیز فوق العاده بود.  
«استخوان‌های طلایی» هم یک  
نمایش طنز بود که به نظرم جالب  
رسید. ولی یک مقدار بیش از اندازه  
در آن مبالغه وجود داشت و اگر این  
مورد کمتر بود کار خیلی بهتر از  
این می‌شد. در مورد «الهملت» باید  
بگوییم همه چیز این نمایش خوب  
بود و یک رابطه سیاسی در کار  
وجود داشت که به حسن‌های این  
نمایش اضافه می‌کرد.

افشین‌هاشمی:  
نمایش‌های «چرا غما را خاموش  
نکنید»، «منطقه‌اشغال شده»،  
«عکس یادگاری»، «ژولیوس  
سزار»، «مهاجران»، «اسرار شبانه»،  
«آنتیگون»، «الهملت»، «مدها»،  
«تلخ مثل عسل» را فرست کردم تا  
به امروز بیینم. «چرا غما را خاموش  
نکنید» نمایشی رئالیستی بود که  
بسیار خوب اجرا شد و ریتم خوبی  
داشت. درباره «داستانهای کارور»  
باید بگوییم کار گذشته این گروه  
یعنی «آژاکس» به لحاظ ارزش‌های  
تصویری و متن بهتر و قوی‌تر بود.  
«اسرار شبانه» هم نمایش بسیار خوبی  
بود، با ویژگی‌های نمایشی جذاب  
که رنگ‌آمیزی خوبی در کار دیده  
می‌شد. از جنبه‌های عروسکی‌اش تا  
موسیقی کار به شکل خوبی اجرا  
شد. «الهملت» هم نمایش بی ارزش  
و بدی نبود ولی این نمایشنامه در  
اجرای ۹۰٪ واقعیه نمی‌گنجد و باید در  
زمان کمتری اجرا می‌شد.

«کاغذ بازی»، «مردی در بند» و «شما»  
با مانتوی ابی ندیدید» از نمایش‌هایی  
بود که در طول برگزاری جشنواره  
دیدم. به نظرم نمایش «تجربه‌های  
آخر»، خیلی خوب اجرا شد و اتفاقاً  
فضای کار مرا به خودش جذب  
کرد. فضای کار گاه نمایش، هم بسیار  
دل نشین است و باید به آفای پیمانی  
تبیریک بگوییم. «منطقه اشغال شده»  
را هم دوست داشتم. ولی متناسبانه  
از کارهایی بود که به زور اصرار  
داشت موضوع را به تماشاگران  
ترمیق کند. «اسرار شبانه» هم  
خوب بود و بسیار لطیف و خوب  
اجرا شد.

«شما» خانمی با مانتوی ابی ندیدید»  
از آن دسته کارهایی بود که حس  
و فضایش آدم را به خودش جذب  
می‌کند، بخصوص دکور کار که در  
یک راهرو ساختمان چند طبقه می‌  
گذشت.

ایرج زهری:  
نمایش‌های «منطقه اشغال شده»،  
«سیرک»، «آواز قوی آنسوان  
چخوف»، «الآن کجا بی»، «ژولیوس  
سزار»، «استخوان‌های طلایی»،  
«الهملت»، «دینگ مارو» و  
«خواهان برونته» را دیدم.  
به نظرم «آواز قوی چخوف» کار  
خوبی بود بخصوص اجراهای  
بازیگران این نمایش که بسیار  
مسلط بودند. «سیرک» هم از جمله  
کارهایی بود که از دیدن آن بسیار  
لذت بردم.

فرهاد آیش:  
نمایش‌های «کاغذ بازی»، «خواتین  
پنج قلعه»، «مردی در بند» و «منطقه  
اشغال شده» را توانستم در فرست  
کوتاهی که داشتم ببینم. و به نظرم  
نمایش «منطقه اشغال شده» کار  
مشترک ایران و آلمان از مفهموم  
قوی برخوردار بود و اجرای آن  
نیاز من نگاه متفاوت‌تری بود از  
نمایش «کاغذ بازی» هم خوش آمد  
و به نظرم کار جذابی بود و به راحتی  
می‌توانستم اثر انگشت و امضای  
کارگردان را در کار ببینیم و متوجه  
شوم که تقليد از کسی نیست. در  
مورد نمایش «خواتین پنج قلعه»  
هم باید بگوییم سبک کار را زياد  
دوست نداشت و لی نمایش تا الحظه  
آخر مارا به خود جذب کرد.  
آن هم به دليل بازی خوب مهتاب  
نصیرپور و کارگردانی و طراحی  
دکوری که این نمایش از آن بهره  
می‌برد. نکته بعدی اینکه به نظرم  
اقتباس بسیار خوبی از داستان «زنان  
ترو» شده بود و خود این یک حسن  
بزرگ برای این نمایش بود.  
نمایش «مردی در بند» کاری از  
بچه‌های قم بود که به نظرم کار قابل  
تأملی آمد. فقط به این فکر افتادم که  
اگر این نمایش را اجرامی کردم، در  
هم فضای داستان را از تیرگی جدا  
می‌کرم.  
مائده‌طهماسبی:  
«تجربه‌های آخر»، «منطقه اشغال  
شده»، «اسرار شبانه»، «مهاجران»،

مدیران تئاتری در جلسه دیروز توضیح دادند:

## چرا به ایران آمدایم؟!

روز گذشته جلسه گفت و شنود مدیران تئاتری با حضور  
مدیران تئاتری لندن، اسلوونی و ایرلند در کافه‌تریا سالن  
چهارسوس برگزار شد.  
در این نشست، استلهال، مدیر جشنواره بلفارست ایرلند  
گفت: «هدف من از حضور در جشنواره فجر، تماشای  
تئاتر نبوده بلکه رایزنی در باره گسترش فعالیت‌هنری ایران  
و ایرلند بوده است.»

و دیگر هدف مهم خود را حمایت از هنرمندان دانست  
و گفت: «آنچه در این مؤسسه برای ما حائز اهمیت است،  
حفظ میراث فرهنگی - هنری گذشته توسعه هنرمندان و  
نیز تکیه هنرمندان تئاتر به ابزار سنتی خود با خلق آثار  
مدرن بود.»

استلهال گفت: «برای مامحاطه شناسی بسیار مهم است  
و هدف ما ایجاد ارتباط میان ذائقه هنرمند و نیز سلیقه  
تماشاگر است.»

سپس دو شان یوانویچ، مدیر تئاتر اسلوونی باشاره به  
وضعیت اسفبار تئاتر در اسلوونی در ۱۵ سال گذشته  
گفت: «با تغییر سیستم سیاسی، می‌توان چشم انداز خوبی را  
برای تئاتر متصور شد.»

وی یاد آوری کرد: «پیش از این دولت به همه چیز حتی  
تئاتر احاطه داشت اما با تلاش عدمای، تئاتر از کنترل دولت

خارج شد که منجر به تأسیس سیستم خصوصی تئاتر گشت»

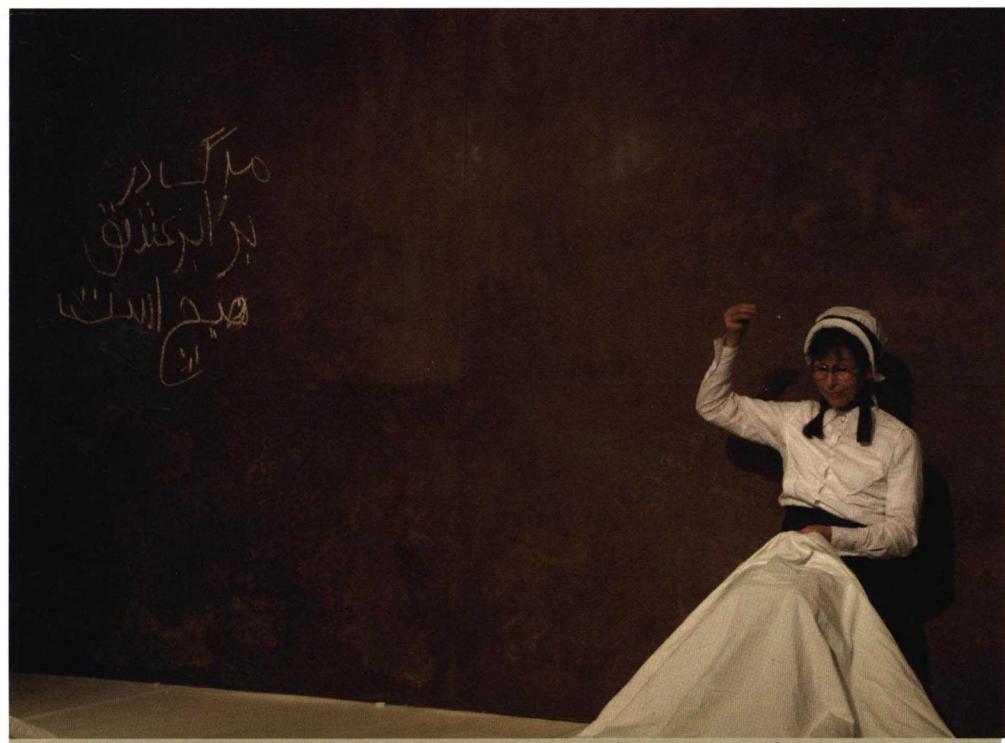
به گفته وی، در سیستم خصوصی، توجه به عناصر بصری  
بسیار مهم است، ضمن این که منابع مالی تنها از طریق  
گیشه تأمین می‌شود. البته بعد از شکل‌گیری گروه‌های  
کوناگون تئاتری، شهرداری‌ها و وزارت هنر هم بسیار  
کمک کردند.

ریزفتوون، مدیر تئاتر لندن، دیگر مدیر حاضر در جلسه  
بود. وی هدف خود را از سفر به ایران را شناسایی فرمد  
هنری جشنواره فجر و مقایسه آن با جشنواره تئاتر لندن  
دانست.

فتوون گفت: «مهم‌ترین عنصر برای ما برقراری ارتباط  
بین المللی برای کشف غنای فرهنگی ملت‌هاست.»  
وی با تأکید بر نقش آموزش در کشف استعداد‌ها گفت:  
«روپاروپی و ارتباط میان فرهنگ‌گاه‌امی تواند زندگی را سهل  
و ممتنع کند.»

کارینا جانسون، مدیر هنری کمپانی هاووس لندن، به عنوان  
آخرین سخنران جلسه گفت: «در کمپانی ما توجه به اقتدار  
محروم و کم درآمد جامعه هدف اصلی است البته توجه  
به مسائل نژادی، زنان و قشر محروم جامعه هم از دیگر  
اهداف ما است.»

او گفت: «لیل آمدن من به ایران؛ شناسایی فعالیتهای  
هنری مسلمانان ایرانی، ارزیابی فعالیتهای هنری و گسترش  
ارتباطات است.»



گزارش کارگاه نمایش «شب خواهان برونته»:

## جمله‌ها روی صندلی

وی در پایان با جملاتی که روی کاغذها نوشته شده بود، یک لباس درست کرد و از هر شرکت کننده خواست در مورد شخصیتی که خلق کرده، توضیح دهد.

سونیا کارادجا گفت: «تئاتر مارین باد در ابتداء ویژه فعالیتهای نوجوانان بود اما بعد از آن شیوه‌ها را برای بزرگسالان هم به کار برداشتم چرا که این نوشته‌ها از درون آدمها بر می‌آید.»

وی افزود: وقتی کاری را شروع می‌کنیم، هر دو گروه بزرگ‌سال و کودک به تبادل تجربه و نظر می‌پردازند البته روش‌ها با مرور زمان پیشرفت می‌کند. از آنجا که در آلمان به این نتیجه رسیده‌اند بچه‌ها دیگر تمایلی به تئاتر ندارند، تئاتر را در مدارس طوری آموزش می‌دهند که بچه‌ها به تئاتر دیدن علاقه‌مند شوند.»

سونیا کارادجا در پایان گفت: «خواهان برونته، روزها در گیر نوشتن مشق‌هایشان بودند و شبها که پدرشان می‌خوابید، درخانه بزرگ‌شان راه می‌افتدند و تخيلاشان را می‌نوشتند. آنها در گیر خیاطی هم بودند و فکر درست کردن لباس از همین جا شروع شد.»

کارگاه آموزشی گروه تئاتر «مارین باد» توسط سونیا کارادجا، مدرس تئاتر و دستیار کارگردان نمایش «شب خواهان برونته» برگزار شد.

این کارگاه درخانه هنرمندان ایران برگزار شد و طی آن سونیا کارادجا، پرسه خلق یک نمایش، را نشان داد.

وی گفت: «طی این پروسه، مراحل شغل گیری شخصیتهای نمایش را نشان می‌دهیم.»

وی با اشاره به برخی از حوادث زندگی «خواهان برونته» گفت: «ابن خواهانها به صورت خودجوش داستان می‌نوشتند. آنها شخصیتهای را در نظر می‌گرفتند و آن قدر به آنها پروری می‌دادند که براساس آنها، داستان‌هایی شکل می‌گرفت.»

او سه جمله از کلیدی‌ترین جملات داستان‌های هر سه خواهر را نوشته و بر روی سه صندلی جداگانه گذاشته بود. سپس از شرکت کنندگان خواست تا هر جمله‌ای را که با آن احساس نزدیکی می‌کنند، انتخاب کرده و کسار آن صندلی بایستند. پس از تشکیل هر سه گروه، سونیا به هر گروه دو جمله داد و از آنها خواست: شخصیتهای را براساس آن جمله‌ها خلق کنند.



از کارگردانان می پرسیم: از  
اجراستان راضی بودید؟

**امروز  
«کاییون فیض  
مرندی» پاسخ  
می دهد:**

«کاییون فیض مرندی» امسال  
با نمایش «دفتر یادداشت»  
نوشته ژان کلود کری بر در  
جشنواره حضور داشت.

\* از اجرای این راضی  
بودید؟

- بله راضی بودم. ولی بالطبع،  
اجرای اول به دل خودم  
نچسید و احساس می کنم  
اجرای دوم به مراتب بهتر  
و هماهنگ تر از اجرای  
نخست بود. یعنی بازیگران  
به خوبی جای خودشان را  
پیدا کردن و ناهماهنگیها  
کمتر شد.

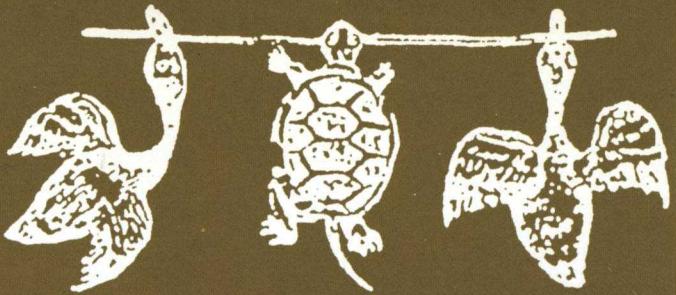
\* استقبال تماشاگران  
چگونه بود؟

- استقبال هم همانطور که  
پیشینی می کردم خوب بود  
و برای هر دو اجرا سالان پر  
شد و خوشبختانه تماشاگری  
را ندیدم که از اجرای دو  
 ساعته ما خسته شده باشد.  
در پایان اجرا وقتی با آنها  
صحبت می کردم، دریافتمن که  
اکثر آزاد ریتم و ضربه‌هنج  
راضی بودند و این برای من  
خیلی مهم بود. به هر حال  
امیدوارم در اجرای عمومی  
از اینکه بودیم بهتر شویم.

\* به آن چیزی که می

خواستید رسیدید؟

- تقریباً نود درصد از  
تفکرات و ایده‌هایم عملی  
شد، ولی طبق معمول در  
اجراهای جشنواره یکسری  
نقش‌های وجود دارد که آن  
هم به دلیل آشنا نبودن بچه  
ها با فضای نور و دکور سالان  
است.



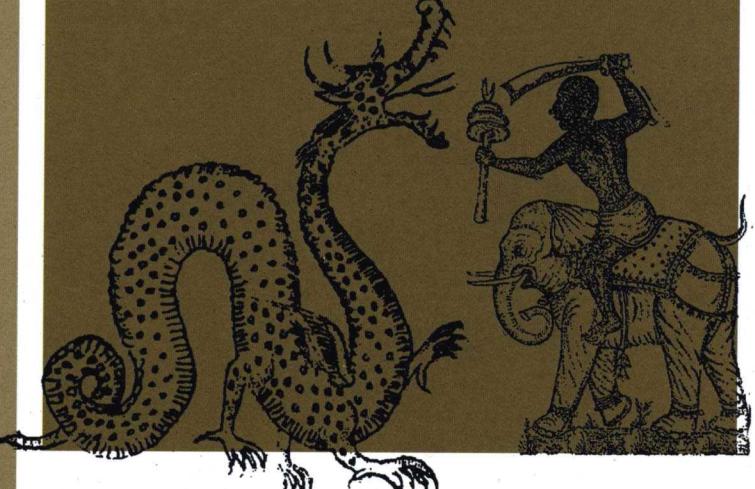
**تالار مولوی،  
خانه همیشگی  
دانشجویان**

پر زده  
آله

تالار مولوی همیشه جزو تالارهای  
باشور و حال جشنواره است.  
تالاری که همیشه پذیرای نمایش  
های خاصی بوده است. نمایش‌هایی  
که همیشه با استقبال چشمگیر  
خدامان وارد عمل شدیم.

نام تالار مولوی همیشه با نام  
تئاتر دانشجویی گره خورده  
است به گونه‌ای که این تالار  
جزء هسته‌های اصلی جریان  
تئاتر دانشگاهی ایران است.  
جریانی که گاه منجر به شناسایی  
استعدادهای بالقوه بسیاری گشته  
است. امسال هم همچون سالهای  
گذشته، استقبال خوبی از نمایش  
های این تالار توسط دانشجویان  
شده است. به گفته علیخانی، بین  
۷۰ تا ۸۰ درصد بليتهای این تالار  
توسط دانشجویان پیش خرید شده

است. علیخانی می گوید: «معمولًا  
تماشاگران ما تماشاگران خاصیتی  
هستند. آنها بیشتر انتخاب گر هستند  
و این طوری نیست که به طور اتفاقی  
یا شانسی به دیدن نمایش‌ها بیایند  
بلکه از قبل انتخاب می کنند و با  
آگاهی به دیدن نمایش‌ها می آیند.»  
او در بیان از مسئولان تئاتر  
می خواهد که امکانات بیشتری در  
اختیار تالار مولوی قرار دهند.  
البته قرار بود این مشکلات از طرق



جشنواره در اقع فردا و با اجرای مراسم اختتامیه تمام می‌شود. اما امروز آخرین روزی است که فرست دیدن تئاتر دارید. از دست دادن امروز برابر است با یک سال انتظار تا جشنواره‌ای دیگر. امشب کوتاه است اما قلندران همیشه بیدارند.  
پایان نامه؛ نامه‌ای به مادر بزرگ

هیین چند وقت پیش بود که حسین پناهی از میان مارفت. ناصر ایزد فر که کارگردانی «پایان نامه» را بر عهده دارد، جزو یکی از عوامل اجرایی نمایش «چیزی شبیه زندگی» بود که برآسان نمایشنامه‌ای از حسین پناهی، اجرا می‌شد. او در این مورد می‌گوید: «هنگام اجرای آن نمایش، فکر اصلی اجرای «پایان نامه» به ذهن رسد و آن را نوشت. کارگردان «پایان نامه» در توضیح متن نمایش ایش عنوان می‌کند: «من به مدت هشت سال دانشجوی تئاتر بودم و بچه‌های تئاتری را خوب می‌شناهم. در این کار هم به دغدغه‌ها و مسائل اجتماعی دانشجویان و بخصوص دانشجویان دختر پرداختهام».

«پایان نامه»، داستان دانشجوی دختری است که تئاتر می‌خواند و در حال آماده کردن پایان نامه‌اش است. در همین حین به او خبر می‌دهند که مادرش فوت کرده است. او تصمیم می‌گیرد به همراه دوستان همکلاسی‌اش در مورد مادرش و زن هایی که شیوه مادرش هستند، به عنوان پایان نامه کار کند».

ناصر ایزد فر که پیش از این کارهای «ماداگاسکار»، «یک تاج و دو سر»، «کالیکولا باران کبوتر»، «جزیره فوگارد» و «حکایت همچنان باقی است» را کارگردانی کرده، نمایش «پایان نامه» را در ساعت ۱۶ و ۱۸ در تالار هنر، به روی صحنه می‌برد. این نمایشنامه، ۸۰ دقیقه به طول می‌انجامد.

### خانم سرهنگ بار بار؛ یک نوشه از برنارشاو

نام مهرداد رایانی مخصوص نامی آشنا در میان علاقمندان به تئاتر است. این کارگردان تئاتر امسال با نمایش «خانم سرهنگ بار بار» نوشه‌ای از برنارشاو در جشنواره حضور یافته است.

قصه «خانم سرهنگ بار بار» از این قرار است که آنرو، پدر خانواده طبق یک سنت دیرینه تصمیم می‌گیرد میراث کارخانه (اسلحه سازی) را به پسری بی سرپرست و اگذار کند. مادر خانواده، مارت، از این کار ناراحت می‌شود و مقابله او می‌ایستد. او می‌خواهد تا ارت به پرسش استفان و یا به دامادش برسد. اما آندره برآسان ایدئولوژی و راه و روشی که برای خود ترسیم کرده، روی پیشنهادش اصرار می‌کند.

مهرداد رایانی در مورد کارش می‌گوید: «این کار جزو نمایش‌هایی است که می‌خواهم آن را برات بشکده به صورت تئاتر تلویزیونی، آماده کنم. به نظرم شکل محتوى آن امروزی و قابل تعمق است».

در نمایش «خانم سرهنگ بار بار» بازیگرانی از جمله سپیده نظری پور، هوشنگ

هیاوند، نسیم ادبی، فرزین صابونی، علی سلیمانی و سید هادی کاظمی بازی می‌کنند. این نمایش در ساعت ۱۸ و ۲۰ در تالار قشقایی روی صحنه می‌رود.

بکش دیگر هم بمان سیلویا؛ شاعر سرزمین‌های  
نشناخته

سیلویا پلاتی یکی از نابغه‌های شعر معاصر است. او در مدت کوتاهی که زندگی کرد (۳۱ سال)، توانست شعرهایی به یادماندنی از خود به جا بگذارد. این شعرها مردم جهان را به شدت تحت تاثیر قرار داده است. «یک شب دیگر هم بمان سیلویا»، برداشتی آزاد از زندگی این شاعر است که در اوج کار خود کشی کرد.

«یک شب دیگر...»، توسط چیستاینری نوشه شده است و کارگردانی شده است و مهسا مهجور، سام درخانی، مینو زاهدی، حمیدرضا جوکار و الناز تاریخی در آن بازی می‌کنند. این نمایش در ساعت‌های ۱۷ و ۲۱ در تالار چهار سو به روی صحنه می‌رود و ۹۰ دقیقه به طول می‌انجامد.

کسی که نام تو را رو ماه نوشه است؛ از دوست دارم  
درمیان گفت و گوی یک زن و مرد  
به فضای رویا و



# شب کوتاه و قلندران بیکار

سجاد صاحبان زند  
مجید توکلی

کابوس آنها می‌رویم و در خلال آن، گوشدهایی از زندگی زن را برای جست‌وجوی زندگی، در تصاویر گوناگون مرور می‌کنیم».  
روز به حسینی که نویسنده‌گی این نمایش را به عنده دارد، در مورد کارش می‌گوید: «طرح این نمایشنامه از طرف خانم معینی پیشنهاد شد و من چون از آن طرح خوشم ام، تصمیم گرفتم نمایشنامه‌اش را بنویسم».

حسینی در توضیح بیشتر کار خود عنوان می‌کند که «من در واقع به فضاهای مفهومی علاقه بسیار دارم و آنرا به نمایش‌هایی که دارای قصه هستند، ترجیح می‌دهم و این نمایش هم یک کار زنده عروسکی است که تقابل انسان و عروسک را شناس می‌دهد. بمنظور آنکه آن را که یکی از شخصیت‌های این نمایش است، می‌توان از جذابیت‌های آن دانست».  
در «کسی که نام تو را روی ماه نوشته است»، ستاره پیمانی، سید جواد حسینی، علی معینی، فرخناز نادری، المیراطالیبی و آزاده صادقی به ارائه نقش می‌پردازند. این نمایش در ساعت‌های ۱۶ و ۱۸ و در کارگاه نمایش به روی صحنه می‌رود و مدت آن ۵۰ دقیقه خواهد بود.

#### غرفه‌ای از بهشت؛ جایی میان قاب

تعزیه، نقایل و پرده خوانی را می‌توان از جمله گونهای نمایشی دانست که سابقه طولانی در ایران دارند و تناتر ایران از آنها بیرون می‌فرایدند. داده فتحعلی بیگ هم امثال با نمایشی که به این موضوع می‌پردازد، در چشواره حاضر شده است. او در مورد چگونگی انتخاب این سوزه برای کارش می‌گوید: «از چند سال قبل برایم این سوال مطرح شد که اگر امام حسین(ع) در فضای امروزی ظاهر شود و با دو دسته مواجه شود که دسته اول به عزاداری مشغولند و دسته دوم به کمک مستمندان، به کدامیک توجیه بیشتری خواهد داشت. قصه نمایش از اینجا در ذهنم شکل گرفت».

فتحعلی بیگ در ادامه توضیح می‌دهد که این موضوع و برخورد با حسینیه‌ای که هر سال در آن یک معجزه رخ می‌دهد از جمله عواملی بودند که من این نمایش را بنویسم و کار گردانی کنم. او قصه نمایش را این گونه شرح می‌دهد: «مرشد حسین، اهل کشف و کرامات است. او هر سال به حسینیه محل (خانه پدری جهانگیر) می‌آید و یک پرده در رویشی از وقایع عاشورا می‌کشد. اما همیشه یک جای خالی در تابلو وجود دارد که در رویش، تصویر کسی را در آن به تصویر می‌کشد که بعنوان برگزیده مراسم انتخابات شده باشد. یکی از علاقه‌مندان می‌خواهد که تصویرش روی پرده باشد. او تمام هزینه‌های مراسم تکیه را می‌پردازد، تا بعنوان برگزیده تصویرش روی پرده نقش بندد».

در نمایش «غرفه‌ای از بهشت»، زری عمام، مهدی صباحی، حامد آقامی، مرتضی رستمی، علی یداللهی، شهرام مسعودی و محمد عسگری بازی می‌کنند این نمایش در ساعت ۱۷:۳۰ و در تالار اصلی تناتر شهر روی صحنه می‌رود.

#### روزی، روز گاری آبادان؛ سر سفره هفت سین

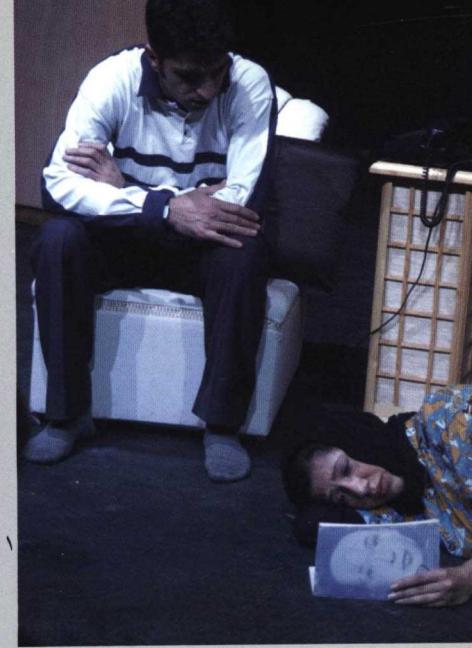
«روزی روز گاری آبادان»، لحظات تحویل سال را هدف گرفته است: «این داستان بر بشی از زندگی یک خانواده آبادانی در شب عید نوروز است: اتفاقی روای زندگی آنها را مختل می‌کند و این تغییر، منجر به ایجاد فضایی فانتزی در داستان می‌شود». «روزی روز گاری آبادان» را حمیدرضا آذرنگ نوشته و کار گردانی کرده است و در آن بازیگرانی از جمله کوهر خیراندیش، حمید ابراهیمی، فرانک ترابی، فؤاد احمدی، رضا احمدی و نیمارتیسی بهایانی نقش می‌پردازند.

این نمایش در ساعت‌های ۱۷:۳۰ و ۲۰ در تالار سایه روی صحنه می‌رود و ۷۵ دقیقه به طول می‌انجامد.  
همچنین امروز نمایش‌های سونات گوچه‌های سبز (ساعت‌های ۱۶ و ۱۹ در تالار کوچک)، تنها یک گله (ساعت‌های ۱۶ و ۱۸:۳۰ در تالار سنگچ)، کودکی من (ساعت‌های ۱۵ و ۱۷:۳۰، تالار مولوی)، دعوت (ساعت ۱۶ در تالار خورشید)، سامورایی مجنون (ساعت ۱۹ در تالار وحدت)، به صرف چای (ساعت ۱۵، خانه نمایش)، داستان باور نکردنی یک زن (ساعت ۱۶، تالار نو)، محاس شنبه‌خوانی قایلای فرنگ (فضای بار تناتر شهر، ساعت ۱۴)، کارمن فونبر (فضای بازار تالار وحدت، ساعت ۲۲) و کل ووی (ساعت‌های ۱۴ و ۱۵، تالار گفت و گو خانه هنرمندان) اجرا می‌شوند.

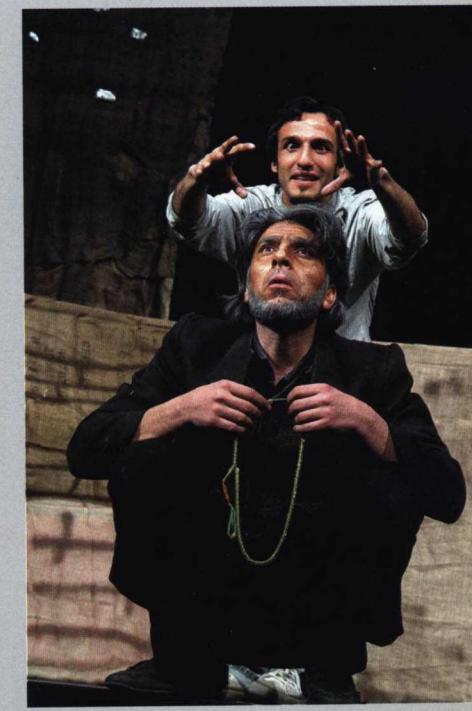




۲



- ۷ سامورایی مجنون  
۳ سکوت  
۶ خودم فقیر، بختم فقیر  
۳ ازدھا چہرک  
۹ داستان باورنکردی یک زن  
۵ چراغ‌ها را خاموش نکنید  
۲ شب خواهان بر وتنه  
۱ تنها راه ممکن  
۸ مجلس شیشه خوانی مسلم بن عقل  
۱۰ در میان ابرها  
۱۱ به صرف چایی  
۱۲ دینیک مارو
- عکس روی جلد؛ نمایش سامورایی

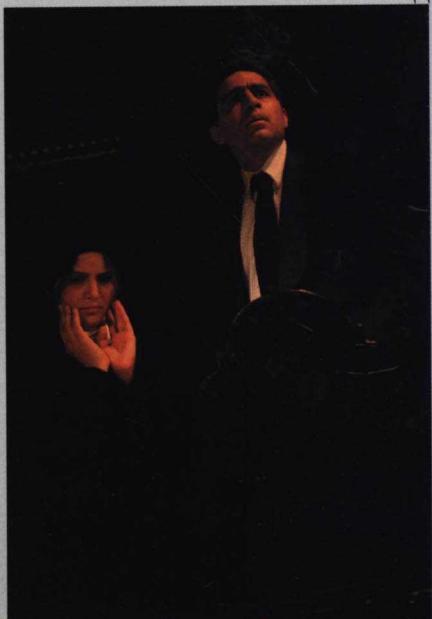


۱۰



۹





در بخش آثار شهرستانی این دوره از جشنواره باشد  
چشمگیری موافق هستیم.  
جشنواره تئاتر فجر یکی از بزرگ‌ترین امیدهای زندگی  
برای تئاتر شهرستان به شمار می‌اید.  
با مدیر هماهنگی امور شهرستان‌های مرکز هنرهای  
نمایشی حول و حوش این بخش از جشنواره گذید.  
\* این دوره از جشنواره در بخش شهرستان چه  
تفاوت‌هایی با سال‌های پیشین دارد؟

- زمانی که مسؤولیت این بخش از مرکز را به عهد  
گرفتم همان‌شده بود با دو میلیون جشنواره استانی که در  
اصفهان برگزار می‌شد. تا اوایل ابان ماه جشنواره‌های  
استانی ادامه داشت. بخشی از سیاست‌ها توسط مرکز  
در دوره قبل اعلام شده بود، مثل تنهیه فراخوان و نحوه  
ارسال متن و نحوه بازخوانی و بازبینی و چگونگی  
برگزاری جشنواره و... فرصت تغییر هم نبود و شاید  
صلاح هم نبود در آن مقطع از زمان چیزی را تغییر  
بدهیم، چون هنرمندان با توجه به همان فراخوان  
کارهای ایشان را ماده کرده بودند. مابینتر سعی کردیم  
در کیفیت کار مؤثر باشیم. روال براین بود که از هر  
استان دو گروه توسط هیات انتخاب، انتخاب و اعزام  
می‌شدند به جشنواره منطقه‌ای، یعنی حدود ۰ عنایش  
از جشنواره استانی به جشنواره منطقه‌ای می‌آمد.

تغییری که ما در این زمینه بوجود آورده‌یم این بود  
که با توجه به اینکه جمعیت استان‌های ما متفاوت

گفت و گو با همایون قتواتی  
مدیر هماهنگی امور شهرستان‌های مرکز هنرهای نمایشی

## تئاترهای شهرستان در راه فستیوال‌های خارجی

\* همیشه هنرمندان شهرستان از این شاکی هستند که نحوه  
اقامت‌شان در تهران مطلوب نیست تا بتوانند هم کارشان را به نحو

مطلوب اجرا کنند در این دوره ۲ گروه از هر استان مقید  
آنکه از عدد و رقم نکردم و کارهای ارزشمند نمایشی

را انتخاب کردیم. برای حضور در جشنواره فجر در سال  
های قبل تا ۱۸ گروهی بود اما امسال در بخش های  
 مختلف ۳۰ گروه امد. حتی مگروههایی را که کارهای موفق  
عمومی در طول سال داشتند را به جشنواره دعوت کردیم.

\* همیشه هنرمندان شهرستان از این شاکی هستند که نحوه  
اقامت‌شان در تهران مطلوب نیست تا بتوانند هم کارشان را به نحو

مطلوب اجرا کنند در این دوره ۲ گروه ایشان را به نحو  
آنکه از اینها تعاقب کریم. ضمن اینکه اتفاق دیگری حدود ۵ الی ۷ روز و سه‌میانی از  
بیلت نمایش‌ها به آنها تعاقب کشود. می‌تواند تأثیر گذار باشد و آن دعوت از مدیران فستیوال‌های  
خصوصاً شهرستانها - می‌تواند تأثیر بیشتر کارهای شهرستانی دیدن کردد و بخشی از انتخاب اشاری  
که سال اینده راهی جشنواره‌های جهان می‌شود حتماً کارهایی از شهرستان هاست.

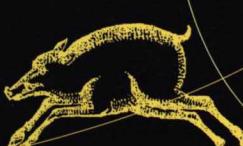
\* متأسفانه ماطی سالها - و این دوره هم - شاهد این هستیم که حتی حرفهای ترین گروههای  
شهرستانی که اجرای موقعي هم در جشنواره دارند در آجرای نمایششان که بخش سخت  
افزاری است دچار ضعف هستند. خصوصاً در طراحی صحنه و اجرا برای کمزنگ کردن  
این مشکل چه کردید؟

- کارهایی که از شهرستان به جشنواره می‌آید یا در وزارت ارشاد شهرستان‌ها یا انجمن‌های  
نمایش یا ارگان‌های مرتبط تهیه می‌شود همه دارای دکور آماده هستند و با همان دکور  
وارد تهران می‌شوند.

اتفاقی که امسال افتاد این بود که از ناظرانی که به جشنواره‌های استانی و منطقه‌ای  
رفتند خواستیم نوع سالنی که مناسب هر اجراست را تعیین کنند و به ما بگویند. شما هم  
می‌بینید که در این دوره، کارهای شهرستانی در تمام سالنها پراکنده است و صرف‌آمدود  
به یک یا دو سال نشده.

\* و حرف آخر...

- به نظر می‌رسد جشنواره تئاتر دارای مشکلات اساسی است و باید در سیاست‌های نگرنسی  
برای تغییر این مشکلات در نظر گرفته شود که سیاستهای فعلی مرکز هم به همین سو  
است. اینکه به طور مثال مابه سمتی حرکت کنیم که به جشنواره‌ای برسیم که چه در  
آثار تهران و چه شهرستان، شاهد تئاترهایی باشیم که از اجرای عمومی به این جشنواره  
آمداند نه ازکه حضورشان در جشنواره به اجرای عمومی شان منتمی شود.



گفت و گو با «اریک وارد لینگر» کارگردان «آرنولت»

# تئاتر باید در دنای ک باشد

شخصیتهای نمایشی بسازد تا آنها به شکل احمقانه‌ای نقش آدمهارا در این کار بازی کنند.

\* پس نمی‌توانیم عنوان کارتک بازیگر بودن را به این نمایش بدهیم؟

- به نوعی همینطور است. چون ما یک بازیگر زنده روی صحنه داریم و از طرفی در طراحی صحنه بلند گوهای دیگری داریم که یکی کوچک و یکی بزرگ است و آنها هر کدام نمایندگان حکومتهای فاشیستی و سوسیالیستی هستند. این بلند گوها حتی قابل جایه جایی و حرکت هم هستند.

\* طراحی صحنه نمایش در کنار تمام جذابیت‌های بصری و تکنیکی که در خود دارد القا کننده یک فضای سرد و خشن است...

- در هر حال باید فراموش کنیم که این نمایش، داستان غم انگیز و تلخی را روایت می‌کند که اصلاً خنده دار نیست. به همین دلیل هم تأکید زیادی بر استفاده از رنگ بندی‌های متنوع نداریم. از طرفی فکر می‌کنم که این موضوع تا حدی متأثر از فرهنگ مادر بلند هم باشد، چون به اعتقاد من تئاتر چیزی جدای از سرگرمی است که باید از موضوعات «خشن» صحبت کند. تئاتر یک هنر است و باید تا حدی در دنای ک باشد. البته باید بگوییم که من به شخصه علاقه‌های به سرگرمی ندارم.

\* و در آخر، کار چقدر نسبت به اجراهای قبلی این نمایش، تغییر کرده است؟

نتها کاری که کردیم ترجمه نمایش از زبان هلندی به انگلیسی بود و البته با توجه به شرایط محیطی ایران تغییرات جزئی در این کار ایجاد کردیم.

«اریک وارد گیر لینگر» تحصیلکرده فلسفه است و به اعتقاد خودش متأثر از همین رشته می‌نویسد. او کار تئاتر را از همان دوران دبیرستان آغاز کرده است و در حوزه کاری خود بسیار متأثر از تمام مسائل نازاخت کننده‌ای است که در محیط اطرافش اتفاق می‌افتد.

«اریک» به صورت ثابت یا مؤسسه و یا کمپانی خاصی کار نمی‌کند و از طریق اینترنت با شرکتهای تئاتر متفاوت ارتباط می‌باشد. او در بیست و سومین جشنواره تئاتر فجر با نمایش «آرنولت» مهمان تالار اصلی تئاتر شهر است.

\*\*\*

\* «آرنولت» کیست و از چه چیزی قرار است صحبت کند؟

- «آرنولت» نویسنده تأثیرگذار اتریشی و از دوستان «برتولت برشت» و «جوزف گوبلز» است. این متن هم درست درباره نیمه‌اول قرن بیستم در عرصه هنر جدید و سیاست است که تقابل نازیسم هیتلر و حکومت‌های کمونیستی را نمایان می‌کند. در این میان «آرنولت» قصد دارد تا یک تغییر بزرگ ایجاد کند او از طرفی سعی دارد بین این تحولات، چیزی میان جناح راست و چپ باشد. پس این نمایش، حکایت وقوع یک انقلاب در پس یک داستان تاریخی است.

\* پس نمایشنامه چیزی مابین تاریخ و سیاست و گروه خود را که این دو با هم است؟

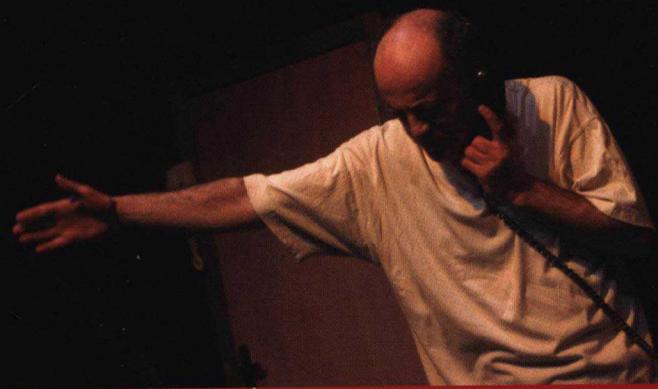
- دقیقاً به همین شکل است. «آرنولت» وزندگی او دقیقاً پیوند خورده با تاریخ قرن بیستم، جنگ جهانی اول و جنگ جهانی دوم است و حکایت جنگ سرد و وقایع تلاخ آلمان شرقی را روایت می‌کند.

\* چرا این کار در کار نام «آرنولت»، عنوان «ابراجی برای بلند گوها» رانیز به دنبال دارد؟

- ایده این کار توسط خانم «هیوبا دو گراف» داده شده است. چون می‌خواست در این نمایش اپرای بلند گوها را بسازد و از آنها موجودات زندگانی خلق کند که توانایی گفت و شنود و در گیری با هم را داشته باشند. او در واقع قصد داشت تا از بلند گوهایی که در طراحی صحنه نمایش به کار گرفته شده‌اند،

# آیا این تنها راه ممکن نیست؟

رامتین شهبازی



به نظر می‌رسد «تنها راه ممکن» تلفیقی از «رقص کاغذ پاره‌ها» و «یک دقیقه سکوت» است. اگر چه در عمل به هیچ‌کدام نمی‌ماند.

محمد یعقوبی تا یکی دو سال قبل به جرأت می‌توان گفت از اتفاق‌های جشنواره بود.

یادتان هست مردم چند دقیقه با چشمانتی اشک آلود گروه تئاتر امروز را پس از اجرای «یک دقیقه سکوت» تشویق می‌کردند.

گروه تئاتر امروز سال ۱۳۸۰ از هم پاشید و اعضا هر یک گروهی جدید تشکیل دادند.

شكل نگاه رئالیستی یعقوبی نیز از همان زمان دستخوش تغییر شد. یعقوبی که نگاه خوبی به مسائل روز اجتماعی داشت و آنها را به درستی بازیان امروز آدابه می‌کرد به

سمتی رفت که این نگاه‌ها از شکل مستند جدا و به جنبه‌های غلو‌آمیز نمایش نزدیک شد. یعقوبی آن روز هاراحت تر در ک می‌کرد تا یعقوبی امروز.

«تنها راه ممکن» را هم نمی‌توانم در ک کنم. حس می‌کنم چیزی کم دارد. داستانک‌های کوتاهی که در آن مطرح می‌شود بیشتر از اینکه تئاتر باشندشی به ادبیات هستند، ادبیاتی که پا در هوا می‌ماند. بخشی از آن را راوی به صورت نریشن روایت می‌کند و بخشی را روی صحنه می‌بینیم. اما در بخشی که قرار است تصویر سازی پیرامون آن صورت گیرد هیچ اتفاق دراماتیک چشم‌کیری رخ نمی‌دهد. لحظه حریت انگیزی ندارد. فصل پیر مرد فراموشکار را به یاد آورید. کارگردان آنقدر به بازی طنزآرane علی سلیمانی متکی شده که اتفاق اصلی را فراموش می‌کند. از دیگر سو اپیزودها آنقدر به طول می‌انجامد که اثر اولیه خود را از دست می‌دهد.

نمایش «تنها راه ممکن» را می‌توان از دو منظر متفاوت مورد بررسی قرار داد. یکی کلیت اثر است که مامی توانیم از این پنجه‌ذهنیت و شیوه تفکر یک نویسنده را بینگیریم. نمایش «تنها راه ممکن» داستان یک نمایشنامه نویس است که از زبان راوی به صورت نریشن حکایت می‌شود. نویسنده در بخش‌های مختلف زندگی این نویسنده، نمایشنامه‌هایش را معرفی و بخش‌هایی از این نمایشنامه روی صحنه جان می‌گیرد. دکور ثابت صحنه به نوعی روایتگر بخش‌های ثابت ذهن نویسنده‌است. شخصیتهای مختلف داخل این دکور می‌آیند و داستانی را روایت می‌کنند و می‌روند.

یک مبل ثابت و چند در انتهای صحنه تعییه شده است. ایده درها بسیار خوب و همخوان با نمایش است. برخی معتقدین معتقد‌نامه نمایشنامه نویسان مد نیست از این درها به عنوان یک نشانه و فلش استفاده می‌کنند. این در راه فراری است تا شخصیت‌های گرفتار امده در بحران‌های دنیای مدرن از آن به بیرون فرار کنند. اینجا نیز چنین است. در نمایش «تنها راه ممکن» هم تمام شخصیت‌ها در دل شرایط یکسانی گرفتار آمده‌اند. آنها هم راهی برای فرار می‌جویند.

دختراز دست خانواده فرار می‌کند زن از شوهرش می‌خواهد به خارج کشور بروند و... اما از این نگاه کلی که فاصله بگیریم و بخواهیم تک تک ایزو ودها را مجزا به بحث بنشینیم، اتفاق خاصی رخ نمی‌دهد. کار بیش از هر چیز به کلام متکی است. یعقوبی هیچ تلاش برای تصویر کردن فضای انجام نمی‌دهد، بازیگران به سادگی دیالوگ خود را می‌گویند. داستان بعدی آغاز می‌شود. تنها تصویر این فصول، نور آبی است که در قالب نور تلویزیون داخل اتاق پاشیده می‌شود.

در «رقص کاغذ پاره‌ها» نیز با چند داستان ایزو و دیک روپه رو بودیم، اما آنچه دکور تغییر مکان می‌داد و همین تغییر زاویه برای تماساگر مقدار زیادی تصویر جذاب ایجاد می‌کرد. از دیگر سو هیچ یک از این داستانها، به غیر از داستان دزدانی که از حفظ آبروی افراد سو استفاده می‌کنند و آنها را مورد اخاذی قرار می‌دهند و... هیچ یک جذابیت چنانی نیز به خودی خود دارانیستند.

شاید کارگردان می‌توانست با استفاده از بازیگران ثابت، فضا را بیشتر تلطیف کنند. بازیگران، با جنس بازی‌های مختلف نیز کار را دچار لطمہ می‌کنند. تماساگر تا به حافظ ذهنی با یک فضا ارتباط برقرار می‌کند، قصه به پایان می‌رسد و داستان بعدی آغاز می‌شود.

به هر حال هنوز محمد یعقوبی را دوست دارم. او هنوز می‌تواند به یکی از درام نویسان موفق عرصه نمایش در ایران تبدیل شود. اما بیشتر باید به تئاتر بیندیشید. علاقه او به سینما در کارهای قبلي اش تصاویر جذابی را بیجاد می‌کرد که اینجا جای خالی این تصاویر به شدت حس می‌شود. خيلي دوست دارم در سال نمایش به اختراشم برخیز و او را تشویق کنم.

اما بیشتر دوست دارم این تشویق برای کاری مثل «یک دقیقه سکوت» باشد تا «تنها راه ممکن».



# چیزی شبیه تعزیه

مهدی عزیزی

یادداشتی بر کار من  
فونبر به کارگردانی  
پاول ژوکوتاک  
از لهستان



آشوبگران و جنگ آوران می‌بیوندد و مایه آوارگی عدهای دیگر می‌شود. بعد روان‌شناختی مسأله و دایری‌ای که آدمهای شبیه بر او را تبدیل به یک ویرانگر می‌کند، ستودنی است. ساختار نمایش به دلیل استفاده از نشانه‌های بصری نمایش همانند تعزیه است. این‌باری که در نمایش به کارگرفته شده است این باور را به یقین بدل می‌سازد که «کارمن فونبر» شبیه خوانی یا تعزیه لهستانی است. پارچه‌ها، چوبها و ... نشانه‌هایی است که به عنوان نمادهای داستان کلاسیک و افسانه‌های از آنها استفاده می‌شود. مفهوم ضد جنگ داستان یک اهمیت ویژه دارد.

با توجه به اینکه جنگ در منطقه بالکان و کشورهای اسلام در پنجاه سال گذشته مایه عذاب مردمان آن منطقه بوده است، نمایش، هوشمندی کارگردان را در نهادینه کردن مفهومی ضد جنگ نمایان می‌سازد.

«کارمن فونبر» یک نمایش میدانی است و از لحاظ فرم و شکل کلی شبیه به نمایشهای میدانی ماست. هرچه در کارکرد نمایش دقت می‌کنیم، متوجه ساختار کلاسیک اثر می‌شویم. مفهوم نمایش با توجه به ساختارش تضاد بشریت و جنگ را آشکار می‌سازد. ژوکوتاک می‌داند که در جهان‌ما، جنگ به این‌باری بدل گشته تا پز سیاستمداران جهان را در موقعیت‌های مختلف تغییر دهد. بنابراین کارگردان نمایش را به اثری ضد جنگ و بی‌بدیل بدل کرده است که می‌خواهد بگوید جنگ مایه ننگ است، همین و بس.

اما داستان درباره شخصیتی است به نام کارمن فونبر. او آوارهای است که جنگ را مایه بدینختی خود و سایر هم‌کیشانش می‌داند. اما برخلاف این اتفاق خودش نیز به

«زنی که تابستان گذشته رسید» کار سیما تیرانداز

## اینجا همیشه «سو و شون» است

پیمان شوقي

بعد از توان بالای او در کنترل ظرفیت‌های بالقوه‌اش از تعادل مورد نظر بیشتر بیشتری برداشتند. اما در «زنی که ... علی‌رغم آنکه به عنوان کارگردان و نه بازیگر - مجال بیشتری برای دقت نظر روی کار هم‌کارانش داشته اما حاصل کار نتیجه موردنظر راندار داز طرف دیگر طراحی صحنه به عنوان رکن مؤثر دیگری از میزان‌سازی‌های او در حد چندایده قشنگ - و نه فوق العاده - برای تصویر کردن بک گراند نامیزان آدمها باقی می‌ماند و ارتباط اگراییکی میان شان برقرار نمی‌شود.

از طرف دیگر متن «چیستای شیربی» هر چند در بعد روایای این نسبت به آثار مشرک دیگر او با «تیرانداز» چند کام به جلو است و در طرح و توطئه خوب عمل می‌کند. اما شاید بدليل ذوق‌زدگی در پردروداری از اسطوره سازی‌های جیبی که در اجتماع امروز و در میان اقسامی خاص رواج دارد - و بی ارتباط با جو سیاسی حاکم بر جامعه جوان کشورمان هم نیست - در استفاده از ظرفیت‌های داستان و در بخش شخصیت‌سازی کمی شتابزده‌نماید، چنانکه در تعریف ابعاد ذهنی «استاد» و «اشکان» از دهدست ترین کلیشمها استفاده می‌کند بدون آنکه شتابزده‌نماید. البته بخش مهمی از بتانسیل انگارهای موجود مشهود باشد. البته بخش مهمی از بتانسیل نهفته در متن به دلیل نوع انتخاب‌جها کارگردان در تصویر سازی به چشم نمی‌اید و برای کسانی که در جلسه نمایشنامه خوانی «زنی که تابستان گذشته رسید» حاضر بودند اجرای تیرانداز از این لحاظ نیز حاوی دریغ است. از جمله مکتوم ماندن نکته محوری درام یعنی نسبت «مرجان» با «سیاوش» تا صحنه آخر در خواش تیرانداز، آن را صرفاً تبدیل به یک شوک نمایشی برای تماشاگر بی‌حوصله کرده است. حال آنکه می‌شد ابزار گسترش تعلیق و درگیر کردن ذهن مخاطب برای کاوش در ابعاد فرامتنی کار باشد.

در هر حال خوش امدی‌نیامد از یک کار در اجرای شتابزده چشوارهای ملاک قاطعی برای قضاوت در حاصل نهایی نیست. اما برای تماشاگر نخبه‌ای که با امیدهای فراوان و با نیت قضاوت به تمایشی حاصل کاریک گروه شناخته شده و مستعد نشسته است، تمایشی «زنی که تابستان گذشته رسید» حلوات چندانی ندارد. جز آنکه با متن هم‌دانستان شویم و «سیاوش» ها را پیشداورانه رسته از امتحان نخوانیم. پس تا اجرای عمومی.

نمایش‌های گروه تاتر سیب به واسطه ویژگی‌های عمدتی که در نوع نگاه «سیما تیرانداز» و «چیستای شیربی» (به عنوان کارگردان و نویسنده اغلب آثار گروه) یافت می‌شوند جزو پرتماشاگر ترین کارها در جشنواره‌های اخیر بودند و در جشنواره امسال هم «زنی که تا تابستان گذشته رسید» را بر صحنه برداشتند که همان صفت را یدک می‌کشد. اصولاً حرکتی که از چند سال قبل به سمت تعریف هویت و تشخیص هنری گروه‌های تئاتری آغاز شده بود رفاقت‌های شمر نشسته و امروز تماشاگر دائمی تئاتر می‌تواند با مشاهده اسامی گروه‌ها باشناختی نسبتاً کامل و توقعاتی مشخص به تمایشی کارهای برودو و یا اگر در سوز بهمن‌ماه جلوی گیشهای تالارهای نمایش به برنامه پشت شیشه خیره شده باقاطعیت بیشتری برای انتخاب اصلاح او لویت بندی کند.

اما بر عکس قصیه هم گاهی صادق است: انجا که مخاطب با پیشادوری نسبت به کیفیت متن و اجرا که منبعث از انتخاب‌های گروه نمایشگر است به تمایشی کار می‌نشیند و ناخواسته آنچه را در پیش رو دارد با واپسین فعلایتهای گروه مقایسه می‌کند. و بسا که علیرغم امیازاتی نسبی، به دلیل تشخیص افت کیفیت نسبت به کارهای قبلی پس می‌کشد و از حاصل کار ابراز عدم رضایت می‌کند. همان اتفاقی که برای اجرای جشنواره‌ای «زنی که تابستان گذشته رسید» افتاده است.

جنس نگاه «تیرانداز» در کارهایش عمدتاً مبنی بر حرکت از واقعیت گرایی و عبور از مرز باریکی است که از یک جای کار، موقعیت‌هایی برای ورود به نوع تازه‌ای از واقعیت‌را فراهم می‌کند و در این میان صرف‌نظر از میزان امکاناتی که متن در اختیارش قرار می‌دهد، بخش عمدتی از این‌بارهای کارش را برای قرار دادن تمایشگر در موقعیت سیالی به کار می‌گیرد که مدام برای حرکت از یک وضعیت دریافت به وضعیت های دیگر آماده باشد. میزان‌های او عمدتاً در ترکیب نوع بازی‌سازی‌ها با طراحی صحنه شکل می‌گیرند و از آنجا که اغلب پایبند مسیرهای روانی باقی می‌ماند بنا بر این‌جا بازیگرانش ناچار از اعمال تمرکز شدیدی بر کنیش‌های نمایشی خوداند چرا که در گردونه تقطیع مورد نظر کارگردان، سیال ترین عنصر و بمنوعی نقطه تعادل بخش اجرایه حساب می‌آیند. در این میان نمایش‌هایی که با حضور خود «تیرانداز» کار شده‌اند

## Review Sessions of German Plays by Dr. Ghotboddin Sadeghi

The review session of "The Secrets of the Night" and "The Night of Bronte Sisters" from Germany will be held by Dr. Ghotboddin Sadeghi in Chaharsoo hall on Saturday, January 29. The two plays were enthusiastically received

by the Iranian viewers. The session will be held at 10 in the morning, open to the public. The details of the session will be published on Iran Theater site.

**The Manager of London Theater Festival:**

## Cultural and Traditional Backgrounds of Iranian Theater are Attractive

"Iranian Plays are attractive to us because of the cultural and traditional forms and backgrounds," said Rose Fenton, the manager of London Theater Festival in a news conference with international theater managers.

"London theater is based on dialog and script. Therefore, those plays that make use of cultural and traditional forms and backgrounds are gripping, as we can gain new experiences," she added.

She emphasized the importance of participating in international festivals as a means of conversing and exchanging ideas with the Iranian theater. "We work with actors from different origins and with various opinions and perform joint plays by holding numerous workshops. Our purpose in this institute is to render plays according to viewers' needs and actors' capabilities," mentioned Fenton

## The Manager of Belfast Theater Festival: Viewers are the Life of Art-related Activities

"Viewers are the Life of Art-related Activities," said "Stella Hall", the manager of Belfast theater festival in Ireland in a news conference with international theater managers. "I face a complicated task in Belfast festival. I have to consider the taste of the viewers and the capabilities of the actors and present plays accordingly, in which my taste and opinions are not taken into account, because it is impossible to impose onto the public what is against their opinions," she added. She explained her reasons to participate in the 23rd International Fajr Theater Festival. "I have come to Iran to prepare the ground for

continuous and influential contacts between the Irish and Iranian theater, based on their common backgrounds in arts. I strongly believe that actors can be cultural ambassadors of their countries of origin," she explained. Stella Hall is also the founder of Manchester Theater School. "The school was established to contribute to international contacts among international theaters. That is why we have participated in this festival. Supporting actors all around the globe, regardless of their artistic innovations, is one of our main goals," she noted.

# TODAY'S PERSPECTIVE

Friday, January 28th

Vahdat Hall  
Performance: 19:00  
The Deranged Samurai  
Director: Shurjo Zanj

Sangelaj Hall  
Performances: 16:00 – 18:30  
Only One Bullet  
Director: Abdolreza Savaedi

Honar Hall  
Performances: 16:00 – 18:00  
The Thesis  
Director: Nasser Izadfar

Molavi Hall  
Performances: 15:00 – 17:30  
My Childhood  
Directors: Dariush Faezi, Ali Oliaie

Khaneye Namayesh

Performance: 15:00  
Invitation to Tea  
Director: Masood Targhibi

Kargahe Namayesh (Theater-e-Shahr)  
Performances: 14:00 – 18:00 – 20:00  
Someone Has Inscribed Your Name on the Moon  
Director: Maryam Moeini

Khorshid Hall  
Performance: 16:00  
The Invitation  
Director: Mitra Khajeian  
(No Hall (Theater-e-Shahr)  
Performance: 16:00  
The Unbelievable Story of a Lady  
Director: Hassan Varasteh

Koochak Hall (Theater-e-Shahr)  
Performances: 16:00 – 19:00  
The Green Gage Sonata

Director: Mehdi Afshar

Chaharsoo Hall (Theater-e-Shahr)  
Performances: 17:00 – 21:00  
Stay One More Night, !Silvia

Director: Chista Yasrebi  
Sayeh Hall (Theater-e-Shahr)  
Performances: 17:30 – 20:00  
Once upon A Time in Abadan  
Director: Hamidreza Azarang

Ghashghaii Hall (Theater-e-Shahr)  
Performances: 18:00 – 20:00  
Major Barbara's Wife  
Director: Mehrdad Rayani Makhsoos

The Main Hall (Theater-

(e-Shahr  
Performances: 18:30 – 21:00  
A Room in the Heaven  
Director: Davood Fatalibegi

Outdoors (Theater-e-Shahr)  
Performance: 14:00  
Passion-Play: Ghaniyay-e-Farang

(Outdoors (Vahdat Hall  
Performance: 22:00  
Carmen Fonber  
Director: Paul Jequotac

Goftogoo Hall (Review Session)  
Performances: 14:00 – 15:00  
Kal Voy  
Director: Hamid Safaii



## Tribute to Dr. Ali Montazer Moghadam, the prominent theater manager in the 60's Going Through the 60th Passage

Once an epidemiologist, a top researcher at Glasgow University and a national theater official, Dr. Ali Montazer Moghadam, was the founder of ISNA News Agency, the research center of Jahad, etc. He has been absolutely popular in the field of arts. He directed and played in Chekhov's "The Disadvantages of Tobacco" in Tehran University.

Being the head of the Performing Arts Center from 1987 to 1992, he is well remembered by all the actors and theater officials in Iran.

"During that period, we made every effort to promote theater in Iran by establishing theater communities throughout Iran and attracting funds for the improvement and promotion of theater. There had been no exclusive funds available to theater before. But in those critical days, by exchanging ideas with the members of the parliament, we managed to do so. Unfortunately, after I left the position, the funds were eliminated. Six years ago, when president Khatami took the office, he tried to revive the long-lost funds," he mentioned.

"We also concentrated on international activities. For the first time after the Islamic Revolution, we established contacts with other countries and re-established the National Iranian Theater Committee, working with UNESCO, which had been founded before the revolution, but had remained idle since then. Many countries are members of the International Theater Institute of UNESCO. The members of national committees in each country are the prominent actors. Despite the fact that we paid the fees, our membership was cancelled due to a long period of inactivity. We managed to rejoin the institute and then invited leading actors and writers to join the committee. In the very same year, Bottini, the head of the International Theater Institute at the time and the head of the International Center of Theater Critics traveled to Iran," he added.

## An Interview with the Canadian "Emergency Exit"

Some hours before their flight to Canada, the members of the theater group "Emergency Exit" were interviewed at the Ferdowsi Hotel. Here is a summary of the interview.

### \* What are the characteristics of this "Emergency Exit" group?

- Our works are based on alternative and experimental theater, incorporating multimedia technology. However, we are all interested in manifestation and intrinsic feelings. We also work on classic text like the works of Pinter. But we focus on current issues, intending to talk to the viewers honestly and frankly.

### \* How much do you consider the criticizing aspect of the current issues?

- That is at the heart of our works. But we never aim at a particular person or advise the viewers. What we intend to do is to provoke thoughts and different points of view toward current issues.

### \* All of this is formed in the group?

- Absolutely. Designing the stage, rendering, lighting, conducting the viewers, etc. are all

done by ourselves. But we preferred that we were addressed by the name of the group, rather than just mentioning "group work" in the schedules.

### \* Did the play form based on the same factors?

- "Where are you now?" is the third episode of a trilogy rendered previously in Rhubarb Festival in Toronto in 2003. Due to the length of the whole trilogy, we decided not to perform all the three episodes. Performing the play in Iran gave us new insights into the play and how to render it, as we had to combine the first two episodes to achieve a new rendition, considering all the limitations we were facing in Iran.

### \* What are those limitations and how much are they related to the conditions in Iran?

- Not much. Anyhow, we had to bring extensive technical facilities from Canada, meaning higher costs imposed on the company, which we could not afford.

# 9 Theatre

Daily Bulletin of the 23rd  
International Fair theatre  
Festival

Friday, January 28th

